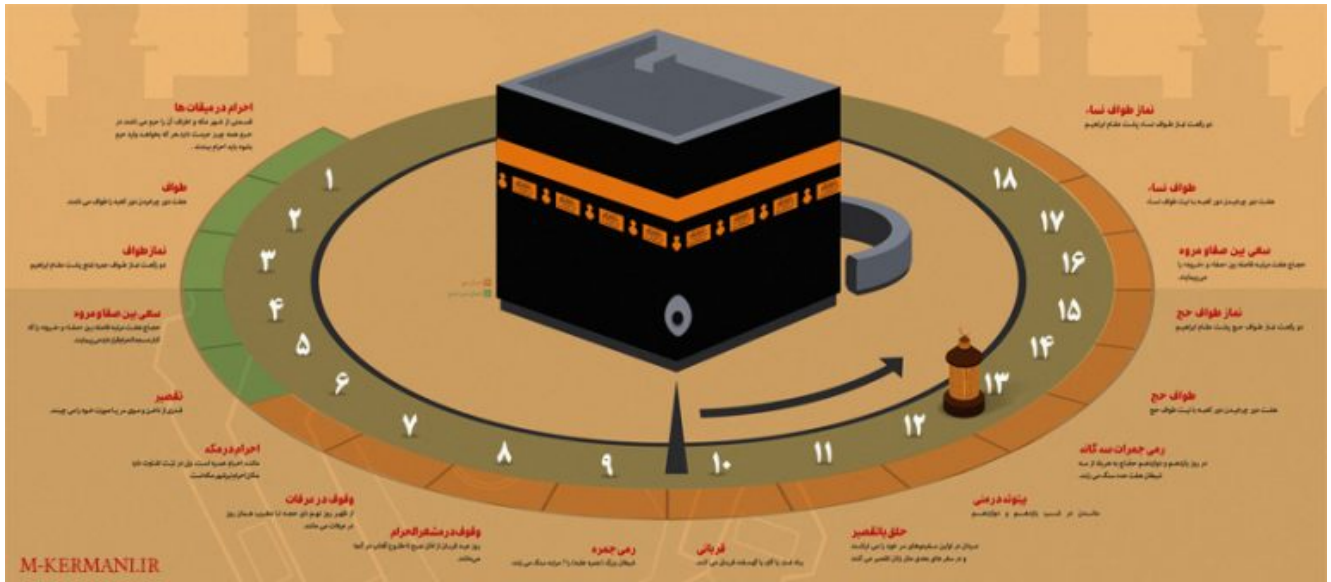




اسرار حج - قسمت چهارم: حدیث شبلی

در این قسمت ترجمه حدیث شبلی را ذکر میکنم، چرا که در آن اعمال باطنی هر یک از مراحل حج ذکر شده و حجتی نخواهد بود مگر آنکه ظاهر و باطن آن را به عمل آورده باشیم. لذا خواندن این حدیث برای حجاج مستبصر لازم است.

ابتدای حدیث از جایی است که امام زین العابدین علیه السلام از حج مراجعت فرمودند، شبلی به استقبال ایشان رفت.

فرمودند: آیا حج کرده ای ای شبلی؟

عرض کرد: بلی یابن رسول الله.

سپس فرمودند: آیا در میقات فرود آمدی و لباسهای دوخته را از تن کنیدی و غسل نمودی؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: پس هنگامیکه در میقات فرود آمدی آیا نیت کردی که لباس معصیت را از تن کنده و لباس طاعت پوشیده ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: آیا وقتی که لباسهای دوخته ات را کنیدی، نیت کردی که از ریا و نفاق و دخول در شبهات خود را برکنار کرده ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس در آن هنگام که غسل کردی آیا نیت کردی که از خطاها و گناهان، خود را شستشو داده ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس نه در میقات فرود آمده ای و نه لباسهای دوخته ات را از تن کنده ای و نه غسل کرده ای.

سپس فرمودند: آیا خود را تنظیف نموده ای و محرم شده ای و عقد به حج بسته ای؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: پس هنگامیکه خود را تنظیف نمودی و محرم شدی و پیمان حج بستی آیا نیت کردی که خود را به نور توبه خالصه برای خدای تعالی تنظیف نموده ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس وقتیکه محرم شدی آیا نیت کردی که تو بر خود حرام کرده ای هر محرّمی را که خدای عزوجل حرام فرموده؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس وقتیکه پیمان حج بستی آیا نیت کردی که هر بستگی را به غیر خدا گشودی؟

عرض کرد: نه.

امام علیه السلام فرمودند: نه تنظیف کرده ای و نه محرم شده و نه عقد به حج بسته ای.

به او فرمودند: آیا داخل میقات شده ای و دو رکعت نماز احرام بجای آورده ای و تلبیه گفته ای؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: پس وقتیکه داخل میقات شدی آیا نیت کردی که تو به نیت زیارتی؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس وقتیکه دو رکعت نماز احرام بجای آوردی آیا نیت کردی که متقرب به خدا شده ای به بهترین اعمال از نماز و بزرگترین حسنات بندگان؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس وقتیکه تلبیه گفتی آیا نیت کردی که هر طاعتی را فقط برای خدا گفته ای و از هر معصیتی زبان بسته ای؟

عرض کرد: نه.

امام علیه السلام به او فرمودند: نه داخل در میقات شده ای و نه نماز خوانده ای و نه تلبیه گفته ای.

سپس به او فرمودند: آیا داخل حرم شده ای و کعبه را دیده ای و نماز خوانده ای؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: پس وقتیکه داخل حرم شدی آیا نیت کردی که بر خود حرام کرده ای هر غیبتی را که غیبت مسلمین از اهل اسلام را میکنی؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس وقتیکه به مکه رسیدی آیا به قلب خود نیت کردی که تو قصد خدا را کرده ای؟

عرض کرد: نه.

امام علیه السلام فرمودند: پس نه داخل حرم شده ای و نه کعبه را دیده ای و نه نماز خوانده ای.

سپس فرمودند: آیا طواف خانه را کرده ای و مس ارکان نموده ای و سعی کرده ای؟

عرض کرد: بلی.

امام علیه السلام فرمودند: پس هنگامیکه سعی کردی آیا نیت کردی که فرار به سوی خدا کرده ای، و خدایی که علام الغیوب است، این را از تو دانست؟

عرض کرد: نه.

امام علیه السلام فرمودند: پس نه طواف کرده ای و نه مس ارکان نموده ای و نه سعی کرده ای.

سپس به او فرمودند: آیا مصافحه با حجر نمودی و در مقام ابراهیم علیه السلام وقوف کردی و در آنجا دو رکعت نماز خواندی؟

عرض کرد: بلی.

پس صیحه ای امام علیه السلام کشیدند که نزدیک بود از دنیا مفارقت نمایند پس از آن فرمودند: آه آه. و بعد امام علیه السلام فرمودند: هرکس مصافحه با حجرالاسود کند پس به تحقیق مصافحه با خدای تعالی نموده، پس نیکو بنگر ای مسکین، ضایع مکن اجر آنچه را که حرمتش عظیم است و بشکنی مصافحه را با مخالفت کردن و گرفتن حرام همچون بت پرستان.

سپس امام علیه السلام فرمودند: وقتیکه در نزد مقام ابراهیم علیه السلام وقوف نمودی آیا نیت کردی که واقف بر هر طاعتی شده ای و تخلف از هر معصیتی کرده ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس وقتی که دو رکعت نماز در آنجا بجای آوردی آیا نیت کردی که نماز کرده ای به نماز ابراهیم علیه السلام و با نمازت بینی شیطان را به خاک مالیده ای؟

عرض کرد: نه.

به او فرمودند: پس نه مصافحه با حجرالاسود کرده ای و نه در نزد مقام وقوف نموده ای و نه دو رکعت نماز در آنجا بجای آورده ای.

سپس امام علیه السلام به او فرمودند: آیا مشرف بر چاه زمزم شدی و از آبش نوشیدی؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: آیا نیت کردی که تو مشرف بر طاعت شده ای و چشم از معصیت پوشیده ای؟

عرض کرد: نه.

امام علیه السلام فرمودند: پس نه مشرف بر زمزم شده ای و نه از آبش خورده ای.

سپس امام علیه السلام به او فرمودند: آیا سعی بین صفا و مروه کرده ای و راه رفته ای و رفت و آمد بین آن دو نموده ای؟

عرض کرد: بلی.

به او فرمودند: آیا نیت کردی که تو بین امید و ترس هستی؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس نه سعی کرده ای و نه راه رفته ای و نه رفت و آمد بین صفا و مروه کرده ای.

سپس فرمودند: آیا به سوی منی بیرون رفتی؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: آیا نیت کردی که در امن قرار دادی مردم را از زبانت و قلبت و دستت؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس خارج به سوی منی نشده ای.

سپس به او فرمودند: آیا وقوف عرفات را کردی و بالای جبل الرحمة رفتی و وادی نمره را شناختی و در نزد میل و جمرات خدای سبحانه را خواندی (دعا کردی)؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: آیا به وقوف در عرفه دانستی معرفت خدای سبحانه را امر معارف و علوم را، و عارف شدی به اینکه صحیفه تو در دست خداست و دانستی دانا بودن او را (خدا را) بر دلت و قلبت؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: با بالای جبل الرحمة رفتنت آیا نیت کردی که خداوند رحم میفرماید هر مؤمن و مؤمنه ای را و دوست میدارد هر مسلم و مسلمة ای را؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس آیا در نزد نمره نیت کردی که امر نکنی تا خودت تن به امر دهی و نهی نکنی تا خودت قبول نهی نکنی؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: آنگاه که وقوف کردی در نزد عَلم و نَمِرات آیا نیت کردی که آنها شاهد تو اند بر طاعات، حافظ تو اند با حفظه، به امر پرورنده آسمانها؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس نه وقوف در عرفه کرده ای و نه از جبل الرحمة بالا رفته ای و نه نمره را شناخته ای و نه دعا کرده ای و نه وقوف در نزد نَمِرات نموده ای.

سپس فرمودند: آیا از بین عَلمین گذشتی و قبل از گذشتن دو رکعت نماز خوانده ای و در مزدلفه راه رفته ای و سنگ ریزه ها را در آنجا برچیده ای و مرور به مشعرالحرام کرده ای؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: پس وقتی که دو رکعت نماز را خواندی آیا نیت کردی که آن نماز شکر است در شب دهم میزداید هر تنگی را و آسانتر میکند هر آسانی را؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: هنگامیکه بین عَلمین راه رفتی در حالیکه به چپ و راست هم نگشتی آیا نیت کردی که از دین حق هم عدول به چپ و راست نکنی، نه به قلبت و نه به زبان و نه به جوارحت؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس هنگامیکه در مزدلفه راه رفتی و از آن سنگ برچیدی آیا نیت کردی که هر معصیت و جهلی را از خود برداشته و هر علم و عملی را ثابت کرده ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس آنگاه که مرور بر مشعرالحرام کردی آیا نیت کردی که در دل گرفته باشی مثل آن را که اهل تقوی و خوف برای خدای عزوجل در دل میگیرند؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس به عَلمین مرور نکرده ای و نه دو رکعت نماز را بجای آورده ای و نه در مزدلفه راه رفته ای و نه از آن سنگریزه برچیده ای و نه مرور به مشعرالحرام کرده ای.

سپس به او فرمودند: آیا به منی رسیده ای و سرت را تراشیده ای و هدی خود را ذبح کرده ای و در مسجد خیف نماز خوانده ای و به مکه بازگشته ای و طواف افاضه را انجام داده ای؟

عرض کرد: بلی.

فرمودند: پس وقتی به منی رسیدی و رمی جمارات نمودی آیا نیت کردی که تو به مطلبت رسیده ای و خداوند، کل حاجت تو را برآورده؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس آنجا که رمی جمارات کردی آیا نیت کردی که رمی کرده ای دشمنت شیطان را و با تمام کردن حج گران قدرت، غضب بر او نموده ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: آنجا که سر خود را تراشیدی آیا نیت کردی که از چرکیها و از مظالم بنی آدم خود را پاک کرده ای و از گناهان بیرون رفته ای مثل وقتیکه مادرت تو را زائیده است؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس آنجا که در مسجد خیف نماز کردی آیا نیت کردی که خوفی نداری مگر از خدای عزوجل و از گناهت، و امید نداری مگر رحمت خدای تعالی را؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: آنجا که هدی خودت را ذبح کردی گلوی طمع را به اینکه متمسک به حقیقت پرهیزگاری شده ای و تبعیت کرده ای سنت ابراهیم علیه السلام را به ذبح فرزندش و میوه دلش و رحمت قلبش و حاجه¹ سنتش برای کسانی که بعد از اویند و مقرب کرد او را به سوی خدای تعالی برای آیندگان؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: وقتیکه برگشتی به سوی مکه و طواف افاضه را انجام دادی آیا نیت کردی که پر شده ای از

رحمت خدا، و بازگشت به طاعت او کرده ای و متمسک به دوستی او شده ای و فرایضت را ادا کرده ای و تقرب به سوی خدای تعالی جسته ای؟

عرض کرد: نه.

فرمودند: پس نه به منی رسیده ای و نه رمی جمار کرده ای و نه سرت را تراشیده ای و نه ذبحت را انجام داده ای و نه در مسجد خیف نماز خوانده ای و نه طواف افاضه کرده ای و نه تقرب جسته ای، برگرد همانا تو حج نکرده ای.

پس شبلی شروع کرد به گریستن بر آنچه که در حجتش از دست داده بود و ضایع نموده بود و دائما به تعلم مشغول بود تا آنکه سال آینده با معرفت و یقین حج کرد.